

حسین بهزاد

جدش میرزا لطف‌الله، از اهالی شیراز بود. این مرد اهل منبر بود، اما پدر بهزاد میرزا فضل‌الله در اصفهان به دنیا آمد و در شیراز و اصفهان قلمدان‌سازی را یاد گرفت. ۲۲ سال از ازدواج پدر و مادرش گذشته بود که حسین به دنیا آمد. او شش هفت ساله بود که پدرش در گذشت. او با مادر و یک خواهر پس از پدر به زندگی ادامه داد. چند ماهی به مدرسه (شرف مظفر) رفت. اما از آن جایی که مدرسه دور بود و او به درس خواندن علاقه نداشت، مدرسه را رها کرد و شاگرد حجره قلمدان‌سازی شد. مادرش بعد از مرگ همسر اولش شوهر دیگری اختیار کرد و توجهی به حسین نداشت. روزگار او همین طور به سختی و مشقت می‌گذشت. گاهی نان خالی هم گیرش نمی‌آمد و مجبور بود گرسنه بخوابد. اما عشق به طراحی و نقاشی او را زنده نگاه می‌داشت. خودش می‌گوید: (همیشه مداد و کاغذ توی جیبم بود). گاهی نصف شب، در نور مهتاب نقاشی می‌کرد.

کم‌کم کارش در حجره قلمدان‌سازی بالا گرفت. بهزاد ناگهان بیمار می‌شود. همه فکر می‌کنند که زنده نمی‌ماند. کار و شغلش را از دست می‌دهد و ناچار به خانه مادرش می‌رود. زیرا درآمدی نداشت.

فتوح السلطنه که هنر بهزاد را می‌شناخت، او را به خانه خود برده و از بیماری نجات داد. او یک کتاب خطی (خمس نظامی) را توسط بهزاد، در مدت یکسال اقامت او در منزلش، با مینیاتورهایی زیبا به تصویر کشید، فتوح السلطنه از بهزاد دعوت کرد بعد از تمام شدن نقاشی‌ها با او به اروپا بروند تا کتاب را آنجا بفروشند. در همین موقع از بهزاد دعوت می‌شود وارد ارتش شود، اما بعد از مدتی از ارتش بیرون می‌آید. در این مقطع از زندگی بهزاد با دختر صاحبخانه خود که (عزیزه) نام داشت ازدواج می‌کند، مدت ۴۹ سال باهم زندگی می‌کنند، ثمره ازدواج آنها، یک پسر است که پرویز نام دارد.

بعدها بهزاد شنید که فتوح السلطنه لندن و پاریس رفته و آن کتاب خطی خمس نظامی را به نام یک کار قدیمی به مبلغ ۸۰۰۰ لیره به یک موزه فروخته است. بعدها هم که فتوح السلطنه به ایران بازگشت بهزاد موقعیتی پیدا نکرد تا سهم خود را بگیرد، زیرا فتوح السلطنه سخته کرد و در گذشت.

در این بین بهزاد برای چند نفر هم کار می‌کرد. من جمله کتاب‌های خطی صدرالممالک وزیر دربار را مصور کرد. همچنین برای موزه‌ای که پرنس ارفع الدوله در موناکو داشت چند مینیاتور تهیه کرد. سفارش‌دهندگان، بیشتر کارهای بهزاد را به عنوان عتیقه در خارج کشور می‌فروختند و پول‌های گزافی می‌گرفتند. دیگر بهزاد شهرتی پیدا کرده بود. حتی بعضی‌ها کارهای او را تقلید کرده با امضای بهزاد می‌فروختند.

در سال ۱۳۱۴ (ه ش) موسیو رابینو باستان شناس فرانسوی بهزاد را با خود به فرانسه می‌برد تا در آنجا برایش کار کند. در این موقع تاجرهای کلیمی عتیقه‌فروش، دایم محرمانه به او مراجعه می‌کنند و می‌خواهند برای آنان کار کنند. زیرا آنها می‌توانستند کارهای بهزاد را به عنوان کارهای قدیمی و عتیقه بفروشند. بهزاد

هم گاهی برای آنان کار می‌کرد. مثلاً صفحه‌ای از یک کتاب خطی را برای یکی از آنها نقاشی کرد و آن تاجر آن را به عنوان عتیقه به مبلغ گزافی به یکی از مجموعه‌دارها فروخت.

در این زمان بهزاد به موزه لوور هم می‌رفت و روی آثار قدیمی مینیاتور ایرانی مطالعه می‌کرد. سرانجام بعد از چند سال به ایران برگشت. در ایران برای این و آن کار می‌کرد. جنگ جهانی دوم شروع شده بود و متفقین در تهران بودند و کارهای بهزاد را بخوبی می‌خردند.

از این زمان به بعد، بهزاد دیگر کم‌کم کارهای تجاری را کنار گذاشت و به خلق شاهکارهای هنری که خود دوست می‌داشت پرداخت. تابلوهای، فردوسی، فتح بابل، ایوان مداین، شب قدر حافظ و نفت یادگارهای این دوره از عمر او هستند.

روی تابلوی فردوسی دو سال کار کرد. دو تابلو هم برای جشن المپیاد ساخت. یکی چوگان بازی دیگری کشته شدن دیو سفید به دست رستم. آن‌ها هم برای او دیپلمی فرستادند که از طرف شاهنشاه در سال ۱۳۳۲ به بهزاد اعطاء شد.

او هفده نمایشگاه در داخل و خارج کشور برگزار کرد، چندین جایزه و مدال گرفت. هنرمندان ایرانی و خارجی به علت هنر و اخلاق انسانیش، بسیار او را دوست داشتند. مرحوم ملک الشعرای بهار در مدح او سرودند.

او در مدت زندگی خود قریب ۴۰۰ کار هنری به وجود آورد که بعضی از مشهورترین آنها عبارت‌اند از: (قحطی) ، (بهرام و گل اندام) که به سبک مینیاتور است، خزان جوانی، دختر رز، کشتن رستم دیو سفید را، خیال، ابو علی سینا، شب قدر حافظ، رودکی، صورت شمس تبریزی و مولانا جلال الدین رومی، ابریق مرا شکستی . فتح بابل یکی از بهترین کارهای اوست که در آن پیروزی کوروش بر بابل و آزادی بردگان نموده شده است. بهزاد دارای شهرت جهانی بود، او هنر مینیاتور را به اوج خود رسانید.

شیوه مینیاتور قبل از او، همان شیوه رایج مغولی بود . حتی آداب و رسوم مغول‌ها هم در آن به چشم می‌خورد، شکل‌ها شبیه به هم و یکنواخت بود. او این شیوه را عوض کرد و شکل‌های ایرانی را وارد مینیاتور کرد.

او بسیاری از ریزه‌کاری‌های زائد مینیاتور را دور ریخت. در کارهای او حالات و روحیات اشخاص مشخص است. در کار قدما سایه وجود نداشت، او سایه را وارد مینیاتور کرد و در رنگ‌آمیزی هم ابتکار کرد. بهزاد اصولاً دارای قوه ابتکار بود. در قدیم چون مینیاتور را اغلب برای کتاب‌ها می‌کشیدند، اندازه‌های آن‌ها هم کوچک بود، ولی بهزاد قطع مینیاتور را بزرگ کرد. هم‌چنین مینیاتور قدما پر از اشخاص گوناگون بود، او از عده اشخاص هم کاست. خلاصه در بین مینیاتوریست‌ان ایرانی، بهزاد شخصیت نوآور و ممتازی است. پس از پایان دوره صفویه مینیاتور تکراری و کم‌مایه بود. این هنر ظریف ایرانی در دوره قاجار تحت تأثیر نقاشی‌های

روسی و فرنگی از مسیر خود منحرف گردیده بود. سرانجام بهزاد توانست مینیاتور را به مسیر اصلی و حقیقی خود برگرداند. او در این راه رنجه‌ها کشید و شاهکارهای بزرگ آفرید.

در اردیبهشت ۱۳۳۷ خورشیدی، مجلس شورای ملی تصویب کرد که مادام العمر حقوق معینی از طرف دولت به این هنرمند بزرگ پرداخت گردد.